

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

یادداشت:

با تشکر از تشریف آوری آقای "آرشام غنی" به پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" و ارسال نبشته ای تحلیلی و عالمانه از جانب ایشان، امیدواریم صفحات پورتال را از خود دانسته برای همیشه در کنار سایر همکاران قلمی، این رزم سترگ را به پیش برند.

با محبت فراوان

اداره پورتال AA-AA

آرشام غنی
۰۸.۱۲.۰۹

ستراتژی "جدید"، تداوم استعمار بیشتر

بارک اوباما بعد از رایزنی های بی شمار با غول های سرمایه و صاحبان کمپنی های بزرگ صنعتی و نظامی و سیاستگزاران جهان سرمایه، ستراتیژی "جدید" خود را در قبال افغانستان اعلام نمود. در ستراتیژی "جدید" سر دسته تجاوز و غارت؛ چیزی جز بربادی و تداوم استعمار مردم محروم و زحمتکش کشور ما و چاق شدن تمامی سر سپردگان استعمار و بالاخره تطبیق سیاست های طرح شده نظام سرمایه، چیزی دیگری دیده نمی شود. افزایش ۳۰ هزار جانی امریکایی دیگر بر گرده مردم ما در جریان سال ۲۰۱۰ میلادی و ۷ هزار جانی غیر امریکایی توسط ۲۵ کشور عضو ناتو این لانه استعمار، ارمغان کوچک این ستراتیژی به شمار می رود. اوباما در قسمتی از سخنرانی خود از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چنین یادآوری نمود:

"ما این جنگ را نخواستیم. به تاریخ ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، ۱۹ مرد، چهار طیاره را ربودند و از آن ها برای کشتن تقریباً ۳۰۰۰ تن کار گرفتند. آن ها مراکز مهم نظامی و اقتصادی ما را مورد تهاجم قرار دادند. آنها جان مردان، زنان و اطفال بی گناه را گرفتند، و هیچ پروای دین و نژاد و موقف شان را نکردند. اگر اعمال قهرمانانه مسافران یکی از آن طیاره ها نمی بود، ممکن به یکی از نشانه های عالی دیموکراسی در واشنگتن اصابت می کرد و تعداد زیادی دیگر را می کشت.

قسمی که می دانیم، آن مردان مربوط به القاعده بودند. یک گروه افراطی که نام اسلام را که یکی از بزرگترین ادیان عالی است، برای توجیه قتل عام مردم بی گناه، تحریف و بد کردند. پایگاه عملیاتی القاعده در افغانستان بود، جایی

که طالبان به آن ها پناه داده بودند. طالبان خود یک تحریک بی رحم، سرکوب کننده و افراطی بود که کنترل کشور را سال های بعد از اشغال شوروی و جنگ داخلی به دست گرفته بود، زمانی که امریکا و دوستان ما به جانب دیگر متوجه بودند.

فقط چند روز بعد از ۱۱ سپتامبر، کانگرس اجازه داد تا از قوت نظامی به ضد القاعده و آنهایی که به آن گروه پناه داده بود کار گرفته شود و این اجازه و کار هنوز هم تا به امروز دوام دارد".

از متن سخنرانی اواما چنین استنباط می گردد که سناریوی این حادثه، نا خودآگاه و غیر منتظره بوده و دولت امریکا در قبال وقوع حادثه ۱۱ سپتمبر و حوادث بعدی آن بی گناه می باشد، در حالیکه از آوان تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی سابق به افغانستان، امپریالیزم خونخوار امریکا در ثانیه ثانیه تجاوز و پیامد های بعدی آن تا اکنون دخالت آشکار و غیر قابل انکار داشته است. امپریالیزم امریکا از تسلیح گروه های هفتگانه در زمان جنگ ضد روسی شروع تا بروز جنگ های داخلی و جنایات ضد بشری توسط دست پروردگان CIA و ISI ، ایجاد گروهک قرون وسطایی طالبان و بعداً سقوط آنی این غلامان حلقه به گوش دخیل بوده که از دید هیچ کس پوشیده نیست .

زمینه ساز وقوع حادثه ۱۱ سپتمبر نه القاعده، بلکه صاحبان کمپنی های غول پیکر صنعتی و نظامی امریکا و خصلت جنگ افزوزی امپریالیست های خونخوار و در رأس آن امریکا می باشد که القاعده یکی از دست پروده های آن است. (برای وضاحت بیشتر این موضوع لازم است تا نوشته "جنگ و جهانی شدن" * اثر میشل شوسودوفسکی استاد پوهنتون در کانادا و نویسنده مقالات تحقیقی در روزنامه لوموند دیپلماتیک چاپ فرانسه مرور گردد.)

در قسمتی از این کتاب، نوشته شده است که :

"جنگ با تروریزم" یک بهانه است و بن لادن و شبکه القاعده در حقیقت دستاویزی برای شروع جنگ بود و حتی چند ماه پیش از وقوع حادثه ۱۱ سپتمبر یکی از نمایندگان محلی سازمان جاسوسی امریکا با بن لادن رهبر این شبکه مخوف در یکی از شفاخانه های امریکایی دوی دیدار داشته است".

اینکه در این ملاقات چه مسایلی رد و بدل گردیده اطلاعاتی دقیق در دست نیست. اما این دیدار و دیدارهای بعدی میرساند که بن لادن یکی از دست پروردگان امپریالیزم امریکا و زمینه ساز آتش جنگ در قرن بیست و یک و در منطقه ای از جهان می باشد که کشور ما در آن موقعیت دارد .

پس پرده حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ نشان میدهد که طراح حملات بر برج های سازمان تجارت جهانی و پنتاگون نه القاعده بلکه سیاستگذاران اقتصادی نظام سرمایه در امریکا می باشد که طی چندین سال کار روی آن به مرحله اجراء گذاشته شد تا به این طریق زمینه تجاوز را به افغانستان مساعد گرداند .

اینکه چرا امپریالیزم امریکا و سایر امپریالیست های جهانی به این تجاوز آشکار تحت نام "جنگ با تروریزم" دست زد، ایجاب می نماید تا مکثی بر آن صورت گیرد .

افغانستان در همسایگی پنج کشوری (روسیه، چین، پاکستان، ایران، هند و قزاقستان) که دارای قدرت اتمی است، موقعیت دارد و یکی از نقاط ستراتیژیک جهان محسوب می گردد که حضور اقتصادی، سیاسی و نظامی در این

منطقه و مخصوصاً ایجاد پایگاه های نظامی میتواند چون پاشنه آشیل بر فرق کشورهای فوق، محسوب گردد. به همین دلیل ایجاد پایگاه های نظامی در ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان نشاندهنده اهمیت این منطقه از جهان برای ماشین جنگی امپریالیزم امریکا و سایر امپریالیست های همدستش می باشد. مناطق سرشار از نفت کشورهای آسیای مرکزی مخصوصاً ترکمنستان (برای کسب معلومات بیشتر در این زمینه به فصل دوازدهم کتاب جنگ و جهانی شدن مراجعه نمائید.) و حرص و طمع بیش از حد غول های نفتی امپریالیست ها دلیل دیگری به تجاوز محسوب می گردد. علاوه بر آورد صورت گرفته نشان میدهد که در حدود ۵۰۰ هزار میلیارد دالر ثروت دست نخورده در افغانستان وجود دارد که این نیز میتواند دلیلی برای تجاوز به حساب بیاید. یکی دیگر از دلایل هرچند کوچک اما مهم میتواند مواد مخدر و عواید سالانه ۴۰۰ میلیارد دالری از آن باشد که پای امپریالیست های خونخوار را به این نقطه از جهان کشانیده اند.

امپریالیزم امریکا به منظور رسیدن به هدف تجاوز و حضور ماشین جنگی آن در این منطقه از جهان مخصوصاً افغانستان، از شکست سایر متجاوزین در طول تاریخ ۵ هزار ساله این کشور درس و تجربه گرفته و راه حضور دایمی و اشغال این کشور را در سیاست لشکر کشی آشکار نه بلکه در ایجاد زمینه سازی "حادثه ۱۱ سپتمبر" برای تجاوز از طریق "جنگ با تروریسم" و اتحاد تحت نام "جامعه جهانی" دانست. با آنکه این حادثه ضربه مهلک بر پیکر اقتصاد و اجتماع امپریالیزم امریکا وارد نمود و سه هزار نفر را به خاک و خون کشاند و میلیاردها دالر به اقتصاد آن ضرر وارد نمود، اما خصلت ذاتی امپریالیزم چیزی جزء خون و آتش نیست.

طوریکه بر همگان مبرهن است یکی از مشخصه های امپریالیزم، توسعه طلبی و جنگ افروزی جهت دستیابی به بازارهای وسیع برای فروش کالا، پیدا نمودن نیروی کار ارزان و بالاخره دسترسی به مواد خام فراوان می باشد که آشفته بازار کنونی خارج از این مشخصه امپریالیزم نمی باشد.

در جای دیگر از سخنرانی خود این سر دسته غارت و تجاوز چنین می گوید:

" تحت بیرق این اتحاد داخلی و مشروعیت بین المللی و فقط بعد از آنکه طالبان از سپردن اسامه بن لادن انکار کردند - ما عساکر خود را به افغانستان فرستادیم. در ظرف چند ماه، القاعده تیت و پاشان شد و بسیاری از عاملین آن کشته شدند و طالبان از قدرت بر انداخته شدند و پشت کار خود رفتند.

کشوریکه چندین دهه در ترس و وهم بود برای امیدواری دلایلی پیدا کرد. در کنفرانسی که توسط ملل متحد دایر شد، یک حکومت موقت تحت ریاست حامد کرزی تأسیس گردید. و یک قوای کمک امنیت بین المللی تأسیس شد تا در آوردن صلح پایدار به این کشور جنگ زده کمک کند".

در قرن بیست و یک تجاوز نظامی نمی تواند بدون دلیل موجه از طرف یک کشور بر کشور دیگر صورت بگیرد. اینکه امپریالیزم امریکا توانست به کمترین وقت اکثریت امپریالیست های جهانی را در تجاوز آشکار به افغانستان متحد گرداند را باید از یکطرف در ابعاد فاجعه "حادثه ۱۱ سپتمبر" و تبلیغاتی که از طرف رسانه های امپریالیستی به نفع حمله نظامی صورت گرفت و از جانب دیگر در خصلت امپریالیزم که به دست آوردن منافع اقتصادی در این منطقه از جهان است، دانست. در غیر آن امکان متحد ساختن اضافه از ۴۰ کشور امپریالیستی و سرمایه داری که تضاد های بسیار جدی و حادی میان شان وجود دارد، یک امر خیلی دشوار است..

نیروی ارتجاعی و ضد انسانی طالبان دست پروردگان پاکستان این متحد ستراتیژیک امپریالیزم امریکا به هیچ عنوان توان رد تقاضای باداران شان را مبنی بر تسلیمی بن لادن، نداشته و هرگز چنین خواست واقعی صورت نگرفته است، چراکه برنامه ستراتیژیک ماشین جنگی امپریالیزم امریکا، تجاوز و ایجاد پایگاه های نظامی در این

منطقه از جهان بنابر دلایلی که در فوق از آن تذکار به عمل آمد از طرف سیاستگذاران جهان سرمایه تعیین گردیده بود .

با آنهم اگر فرض کنیم که طالبان این خواست را قبول می کرد و بن لادن را تسلیم می نمود، آیا تجاوز نظامی به این منطقه از جهان صورت نمی گرفت؟ به یقین کامل گفته میتوانیم که هدف امپریالیزم امریکا دستگیری بن لادن نه بلکه حضور نظامی در این منطقه از جهان بنابر دلایل فوق، بود .

صدام حسین با تمامی قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی، که یکی از دیکتاتور های قرن بیست و یک به حساب می آمد و در اوایل از متحدین نزدیک امپریالیزم امریکا محسوب می گردید، در کمترین زمان و یک غار دور افتاده دستگیر می گردد، اما بن لادن به گفته نویسنده کتاب "جنگ و جهانی شدن" (حتی یک روز قبل از حملات ۱۱ سپتمبر در یکی از شفاخانه های نظامی راولپندی در ستاد فرماندهی ارتش پاکستان تحت درمان دیالیز گرده قرار گرفته بود)، با گذشت اضافه از ۸ سال تا هنوز دستگیر نگردیده، چیزیکه هیچ عقل سلیمی آن را هرگز نمی پذیرد . جالب این جاست که با گذشت اضافه از سه دهه تجاوز، غارت، تباهی و بربادی، یکباره فکر و هوش امپریالیست های جهانی به این نقطه از جهان متمرکز می گردد و در فکر آوردن امنیت، صلح و ثبات در افغانستان توسط کسانی می شود که یا در غرب به عیش و عشرت و سرمایه اندوزی دست زده و یا توسط کسانی که تا گلو در جنایت و قتل مردم زحمتکش ما غرق اند.

جالبتر از همه برخورد ها و سیاست های سالوسانه و ضد مردمی نیروهای "چپ" و مدالگیران استعمار است که با ساز امپریالیزم همونوا شده و مقابل دروازه یوناما صف کشیده و از آنها میخواهند که جنایتکاران جنگی سه دهه اخیر را محاکمه نمایند !!

اوباما در قسمت دیگری از سخنرانی خود به جنگ عراق اشاره نموده و گفت:

" بعداً در اوایل سال ۲۰۰۳، تصمیم یک جنگ دومی در عراق گرفته شد. مباحثه تند در مورد عراق به همه معلوم است و در این جا ضرورتی به تکرار آن نیست. این کافی است که بگوییم که در شش سال بعدی، جنگ عراق قسمت بزرگی از عساکر ما، منابع ما، دیپلماسی ما، و توجه ملی ما را به خود معطوف ساخت و آن تصمیم رفتن به عراق خلای بزرگی را بین امریکا و سایر جهان به میان آورد .

امروز، بعد از مصارف گزاف، ما راه پیشرفت در عراق را پیدا کرده ایم. قسمی که من قبل و بعد از گرفتن قدرت وعده داده بودم، ما جنگ عراق را به طور مسؤولانه پایان می دهیم ."

در یک کلام دلیل عمده تجاوز به عراق را باید در چاه های نفت آن و سودی که کمپنی های نفتی امپریالیزم امریکا و سایر امپریالیست ها از آن به دست آورد دانست و یا بهتر است گفته شود که عراق قربانی چاه های نفت خود گردید .

در عراق با تمام تلاش هایی که از طرف امپریالیست ها صورت گرفت هیچ نوع سلاح اتمی که تجاوز را موجه بسازد، پیدا نشد. برای وضاحت تجاوز به عراق و تباهی این کشور لازم است تا نوشته "بغداد در سال صفر**" از ناومی کلاین مرور گردد. در قسمتی از این کتاب آمده است:

"سناتور جان مک کین در اکتوبر سال ۲۰۰۳ گفته بود که "عراق مثل ظرف عسل بزرگی است که مگس های فراوانی را جلب خواهد کرد. منظور وی از مگس ها هالی برتونز، بچتلز، و سوداگرانی بود که بعد از اینکه ماشین های جنگی برادلی با بم های لیزری خود راه را باز کردند، به عراق سرازیر خواهند شد و عسلی که آنها را جلب خواهند کرد ثروت بی پایان نفتی خواهد بود."

امروزه عراق در حالی به یک کشور ویران با رژیم وابسته به امپریالیسم امریکا، اقتصاد بیمار و جنگ مذهبی که روزانه ده ها نفر به قتل میرسد مبدل گردیده است که چاه های نفت آن به کمپنی های نفتی امپریالیسم امریکا فروخته شده و طی ۲۵ سال آینده یک قطره نفت هم برای عراقیان باقی نخواهد ماند. تجاوز به عراق باعث گردید تا میلیون ها انسان کشته، زخمی و مهاجر گردند .

اوباما سخنرانی اش را اینطور ادامه داد:

" بیش از همه، من می دانم که این تصمیم از شما حتی کار بیشتر می خواهد، اردویی که با خانواده های تان یک جا بار بزرگی را به دوش کشیده اید. من حیث رییس جمهور، من به خانواده هر عسکر امریکایی که جانش را در این جنگ ها می بازد باید تسلیت نامه امضاء کنم. من مکتوب های زیادی را از والدین و خانم های عساکری که جا به جا شده اند خوانده ام، و به شهر دور رفته ام تا تابوت های ۱۸ تن امریکایی را که به جایگاه ابدی روان بودند ببینم. من تلخی های جنگ را به چشم سر مشاهده می کنم. اگر غم امنیت ایالات متحده با من نمی بود، و این فکر را نداشتم که امنیت و حفاظت امریکایی ها در افغانستان در خطر است، به بسیار خوشی امر می دادم تا عساکر ما همین فردا برگردند.

بناءً این فیصله من سطحی نیست. من متیقن هستم که منافع حیاتی ما در افغانستان و پاکستان در خطر اند. آن منطقه مرکز تشدد افراطیت و اعمالی است که القاعده انجام می دهد و از همان جا بر ما در ۱۱ سپتامبر حمله شد. و همین حالا که من حرف می زنم در آنجا پلان حملات دیگر ساخته می شود. این خطر سطحی نیست، خطر تصویری و خیالی نیست. فقط در همین چند ماه گذشته، ما افراطیانی را در داخل سرحدات خود گرفته ایم که از مناطق سرحدی افغانستان و پاکستان برای انجام اعمال تروریستی فرستاده شده بودند، اگر منطقه به همین منوال باقی بماند و القاعده بتواند از آنجا به آرامی عمل نماید، این خطر از دیاد خواهد یافت. ما باید فشار را بر القاعده ادامه دهیم، و برای این کار باید ثبات را بیشتر سازیم و ظرفیت شرکای خود را در منطقه تقویه کنیم.

البته، این بار را باید ما تنها به دوش نکشیم. این فقط امریکا نیست که در جنگ است. از ۱۱ سپتامبر به این طرف، از پناهگاه های القاعده بر لندن و عمان و بالی حملاتی صورت گرفته است. مردم و حکومت افغانستان و پاکستان در خطر اند. و خطر در پاکستان که سلاح اتمی دارد، بیشتر است؛ زیرا ما می دانیم که القاعده و افراطیان دیگر در جست و جوی سلاح اتمی هستند، و ما دلایل زیاد داریم تا فکر کنیم که آن را استعمال خواهند کرد".

اوباما با حرامزدگی که مختص سیاستمداران و مدیران عامل کمپنی های امپریالیستی است میخواهد به قوای اشغالگر نیرو و انرژی بدهد تا هرچه بیشتر در قتل عام مردم ما قوت بگیرند .

از یکطرف بیکاری و از جانب دیگر اغفال مردم امریکا توسط رسانه های امپریالیستی باعث گردیده تا خانواده های امریکایی فرزندان شان را به قتل و غارت مردم زحمتکش و محروم ما بفرستند. زمانیکه سردسته غارت و چپاول با دیده درایی و چشم پارگی از "غم امنیت امریکا" صحبت می کند، واضح است که مردم عام آن با او همنوا شده و حاضر می گردند تا فرزندان شان را به جنگ اعزام نمایند. مخصوصاً وقتیکه از سلاح های اتمی یاد می شود و احتمال دست یافتن شبکه مخوف القاعده به آن یاد می گردد، وحشت زیادتری بین مردم امریکا به وجود آمده و هیچ ممانعتی به اعزام قوای بیشتر دیده نمی شود.

بارک اوباما باید بداند که ما هم دلایل بیشماری داریم که جز تأمین منافع کمپنی های بزرگ صنعتی و نظامی (وال استریت) و مشخصه بارز امپریالیسم مبنی بر تجاوز، غارت، پیدا نمودن بازارهای وسیع برای فروش کالاها، پیدا

نمودن مواد خام فراوان، پیدا نمودن نیروی کار ارزان و بالاخره منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیستی هیچ دلیل دیگری به تجاوز وجود ندارد .

این ستراتیژی هیچ چیزی تازه ای در خود ندارد، جز تنگتر کردن حلقه استعمار بر گلوگاه مردم کشور ما و این ستراتیژی ظاهراً جدید تداوم ستراتیژی های گذشته بوده و نه تنها هیچ گرهی از مشکل مردم محروم و زحمتکش ما را حل کرده نمیتواند بلکه بر مشکلات مردم ما بیش از پیش اضافه می گردد و احمقانه خواهد بود اگر توقع داشت که توسط ستراتیژی اخیر مشکل افغانستان حل خواهد شد، چیزی که نوکران بی مقدار امپریالیست ها و جامعه مدنی آنرا تبلیغ می کنند.

* <http://www.rahetudeh.com/rahetude/Masaele-Teorik/HTML/jahanishodan/aghaz.html>

** http://ketabfarsi.org/ketabkhaneh/ketabkhani_1/ketab1472/ketab1472.pdf